

تبیین جامعه‌شناختی ظهور گفتمان سیاسی هیأت‌های مذهبی ایران دههٔ ۱۳۴۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۹

مصطفی مهر آئین^۲

علیرضا قبادی^۳

فیروز راد^۴

چکیده

به‌رغم مخالفت گفتمان پهلوی با مذهب و نیروهای مذهبی، اندیشهٔ سیاسی مذهبی جدیدی در دههٔ ۱۳۴۰ ظهور یافت که می‌توان آن را گفتمان سیاسی مذهبی نامید. هدف این پژوهش بررسی شرایط تاریخی زمینه‌ساز شکل‌گیری این گفتمان و چگونگی بسیج منابع، زنجیره‌های تعامل و ایجاد بحران در نظم اخلاقی - فرهنگی حاکم از سوی حاملان و تولیدکنندگان گفتمان هیئت‌های سیاسی مذهبی است. رویکرد روشی تحقیق کیفی است و با روش تاریخی - تفسیری، به مطالعهٔ موضوع می‌پردازد. چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از نظریهٔ «پیوند میان ساختار اجتماعی و فرهنگ» روبرت و سنو و «زنجیرهٔ مناسکی تعامل» راندل کالینز است. نتیجهٔ تحقیق نشان می‌دهد که اقدامات نوسازانهٔ دولت پهلوی و تغییرات در درون حوزهٔ دین، منابع و فضای لازم را برای ظهور گفتمان سیاسی مذهبی فراهم کرده‌است. تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی با ابداع و خلاقیت و با مکانسیم‌هایی مانند بسیج منابع، ایجاد زنجیره‌های تعامل و بحران در نظم اخلاقی حاکم موفق به آفرینش گفتمان سیاسی مذهبی شدند.

واژگان کلیدی: محیط (ساختار) اجتماعی، گفتمان، گفتمان سیاسی مذهبی، نظم اخلاقی، بسیج

منابع، زنجیره‌های تعامل

۱. این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری جامعه‌شناسی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی ظهور گفتمان سیاسی هیئت‌های مذهبی دههٔ ۱۳۴۰ است.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی علم، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، نویسندهٔ مسئول
ms.mehraeen@gmail.com

۳. دانشجوی دوره دکتری پیام‌نور
ghobadi1087@gmail.com

۴. استادیار دانشگاه پیام‌نور
rad_291@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

جامعه ایران با آغاز دهه دوم دولت پهلوی، شاهد شکل‌گیری مجموعه‌ای از تحولات فرهنگی و اجتماعی در عرصه مذهب شیعی بود. از این زمان به بعد بود که مجموعه‌ای از نیروهای اجتماعی، به‌ویژه نیروهای مذهبی، گفتمان و کردار جدید مذهبی را در ایران بنیان نهادند. گفتمان و کردار مذهبی‌ای که عمدتاً تا قبل از آن دهه با مشخصه پرهیز از دخالت در سیاست یا دست‌کم معتقد به عدم مبارزه قهرآمیز با حکومت شناخته‌می‌شد رفته‌رفته در اوایل دهه چهل به گفتمانی تبدیل شد که ممیزه اصلی آن مبارزه قهرآمیز سیاسی و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی بود. افرادی همچون حضرات آیات خمینی، محمود طالقانی، حسینعلی منتظری، مرتضی مطهری، محمد حسینی بهشتی، اکبرهاشمی رفسنجانی، محمد جواد باهنر و اندیشمندان اسلامی چون علی شریعتی، مهدی بازرگان، جلال‌الدین فارسی، فخرالدین حجازی و... با ایجاد زبان و ادبیات جدیدی به خلق و تولید گفتمانی پرداختند که سیاسی بودن اسلام از جمله مهم‌ترین اصول و ضوابط آن بود. آنان سعی در بنیان نهادن گفتمانی داشتند که نشان دهند که اسلام قادر به تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی در همه حوزه‌های زندگی است. تولیدکنندگان گفتمان یادشده، با استفاده از نمادها و نشانه‌های جدید در فضای فکری - نهادی جدید در قلمرو فعالیت‌های مذهبی شیعی، با استفاده از هیئت‌های مذهبی با رویکرد سیاسی، سعی در ارائه بینش و روشی تازه در قالب متون دینی و مناسک مذهبی داشتند. تولیدکنندگان گفتمان سیاسی هیئت‌های مذهبی برای سازگار نمودن اسلام موردقبول خود و عینیت بخشیدن به گفتمان سیاسی مذهبی مورد نظر به تولید و توزیع کتب، مقالات، نشریات، موعظه‌ها، سخنرانی‌ها، نوشته‌های کلامی، ادبیات، تعزیه، روزنامه‌ها، رساله‌های سیاسی، برنامه‌های حزبی، تفاسیر قرآن، مجالس سوگواری، مناسک عزاداری اقدام نمودند. مسئله‌ای مورد توجه این مقاله این است که چرا به‌رغم مخالفت دولت پهلوی با مذهب و نیروهای مذهبی، فرصتی برای شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی ایجاد شد. دولت پهلوی که در تقابل با نیروهای مذهبی، به‌خصوص گفتمان سیاسی، بود چگونه شرایطی فراهم کرد که موانع ظهور این گفتمان برطرف شد. در درون جریان مذهبی دهه چهل، چه تغییراتی رخ داد که ظهور این گفتمان را تسهیل کرد. حاملان و تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی چه مکانسیم‌هایی را در تولید و توزیع و نهادینه‌کردن گفتمان خود در اختیار داشتند که به‌رغم حضور حداقل سه گفتمان مهم در دهه

چهل، یعنی ۱. گفتمان سیاسی مارکسیسم- لنینیسم، به رهبری و نمایندگی حزب توده با حاملانی چون تقی ارانی، احسان طبری و ۲. گفتمان سیاسی ناسیونالیسم- لیبرال جبهه ملی ایران با حاملانی چون مصدق و نیروهای نهضت ملی و ۳. گفتمان باستان‌گرای تجددخواه یعنی گفتمان سلطنت پهلوی (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۵۲-۱۶۳) در نهایت گفتمان سیاسی مذهبی گفتمان مسلط در میان گفتمان‌های معارض شد.

سؤالات و هدف پژوهش

اکنون می‌توان به طرح سؤالات ذیل پرداخت که شرایط و زمینه اجتماعی و اقتصادی دوره پهلوی چرا و چگونه فرصت‌های لازم را برای گفتمان سیاسی مذهبی فراهم کرد؟ تولیدکنندگان و حاملان گفتمان سیاسی مذهبی برای تولید، توزیع و نهادینه کردن این گفتمان چه مکانسیم‌هایی را به کار گرفته‌اند؟
هدف مقاله حاضر نیز پاسخ به سؤالات مزبور است.

پیشینه پژوهش

در خصوص شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی و شکل نهادی آن، یعنی هیئت‌ها و مجامع مذهبی، پژوهش‌های فراوانی انجام شده‌است؛ اما تاکنون درباره ظهور و شکل‌گیری گفتارها، کردارها و نهادهای مذهبی سیاسی آن به‌مثابه گفتمان و پیوند آن با محیط اجتماعی تحلیل دقیق ارائه نشده‌است. مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در این حوزه را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. پژوهش‌های داخلی که به انواع هیئت‌ها و نیروهای نقش‌آفرین در این گفتمان مانند سخنرانان، مداحان و نشریات با رویکردی صرفاً تاریخی اشاره کردند؛ بدون آنکه آنها را به‌مثابه گفتمان مورد ملاحظه قرار دهند. مهم‌ترین اثر در این زمینه کتاب *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی- سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷* نوشته رسول جعفریان است که تاکنون با اضافاتی چندین بار به چاپ رسیده‌است.

۲. پژوهش‌ها و مطالعات داخلی که به گفتمان دینی یا مذهبی اشاره کرده‌اند بدون آنکه تعریف روشنی از گفتمان یا رویکردهای گفتمانی داشته‌باشند. این نوع تحقیقات بیشتر نوع‌شناسی گفتمان‌های مذهبی یا دینی هستند و اگرچه در نسبت با تحقیقات نوع اول قرابت

بیشتری با این تحقیق دارند، اما از آنجاکه به گفتمان به معنای مصطلح در جامعه‌شناسی ورودی نکرده‌اند با مفاهیم و مضمون تخصصی این پژوهش متفاوت‌اند. از آثار مرتبط در این زمینه کتاب *گفتمان‌های دینی معاصر* اثر عمادالدین باقی است.

۳. تحقیقاتی که با رویکرد گفتمانی جامعه‌شناختی یا زبان‌شناختی، برخی پدیده‌ها یا مقولات اجتماعی دیگر را مطالعه کرده‌اند. این نوع تحقیقات به موضوعی غیر از گفتمان سیاسی مذهبی پرداخته‌اند. تحقیقات مزبور در مبانی نظری و مفاهیم به‌کار رفته با این تحقیق مشترک‌اند. رسالهٔ دکتری مهرآئین با عنوان «شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های ظهور مدرنیسم اسلامی در هند، مصر و ایران» نمونه‌ای از این نوع تحقیقات است.

۴. پژوهش‌ها و مطالعاتی که به نظریه‌ها و روش‌های تحلیل گفتمان به‌طور عام پرداخته‌است. این نوع پیشینه بنیان‌های علمی برای آشنایی محقق با مفهوم گفتمان، تحلیل گفتمان، گفتمان در جامعه‌شناختی و... را فراهم ساخته‌است. کتاب *نظریه و روش در تحلیل گفتمان* یورگنسن و فیلیپس از این قسم است.

۵. منابع خارجی نیز به توصیف مفهومی گفتمان یا رویکردهای نظری و روشی تحلیل گفتمان پرداخته‌اند و دستمایهٔ آشنایی بیشتر محقق با متون اصلی در حوزهٔ گفتمان و تحلیل گفتمان فراهم کرده‌است. کتاب *اجتماعات گفتمانی: ایدئولوژی و ساختار اجتماعی*^۱ روبرت و سنو از این قبیل است که به‌عنوان منبع مطالعاتی این مقاله است.

آنچه این پژوهش را از نمونه‌های مشابه آن متمایز می‌سازد، چشم‌انداز نظری حاکم بر تمامی اجزا آن اعم از رویکرد آن به مفاهیم فرهنگ و دین و مفهوم‌سازی آنها به‌مثابه محصولات فرهنگی و دینی، رویکرد آن به مفهوم ظهور و مفهوم‌سازی آن به‌مثابه تولید؛ رویکرد آن به مفهوم ساختار اجتماعی و مفهوم‌سازی آن به‌مثابه بانک یا ذخیرهٔ منابع، رویکرد آن به مسئلهٔ رابطهٔ گفتمان سیاسی مذهبی و ساختار اجتماعی و مفهوم‌سازی آن به‌مثابه مسئلهٔ پیوند و... است که ما معتقدیم زاویهٔ دید تازه‌ای در حوزهٔ مطالعهٔ گفتمان سیاسی مذهبی، به‌ویژه شکل نهادی آن، یعنی هیئت‌های سیاسی مذهبی، ارائه می‌کند.

¹ Communities of Discours: Ideology and Social Structure in the Reformation, the Enlightenment, and European Socialism. این اثر ترجمه نشده است.

چارچوب نظری

ظهور گفتمان‌ها در سطح کلان، ذیل بحث رابطه میان اندیشه و واقعیت اجتماعی قرار می‌گیرد. رویکردهای مختلفی درباره رابطه اندیشه (گفتمان) و ساختار اجتماعی مطرح است. درحالی‌که حامیان رویکردهای «تطابق فرهنگی» و «مشروعیت طبقاتی» بر رابطه تعیین‌کنندگی و ثابت میان آن دو تأکید دارند، رویکردهایی نیز وجود دارند که رابطه میان ساختار اجتماعی و اندیشه یا گفتمان را فرایندهایی مستقل و خودسامان می‌دانند بدون آنکه ضرورتاً یکی دیگری را تعیین کند. روبرت و سنو^۱ از نظریه‌پردازان رویکرد دوم است. او به‌طور خاص بر این موضوع تأکید می‌کند که میان گفتمان و محیط اجتماعی (ساختار) پیوند مبهمی وجود دارد. نهادهای فرهنگی، بافت‌های نهادی، نظم اخلاقی از واسطه‌هایی هستند که محیط اجتماعی را در پیوند با فرهنگ قرار می‌دهند. با این‌همه، و سنو نمی‌تواند سطح خرد ظهور گفتمان‌ها را یعنی نحوه شکل‌گیری کنش انسانی در گفتمان‌ها را تبیین نماید. این تحلیل به حوزه تعامل افراد و گروه‌های اجتماعی و شکل‌گیری زنجیره‌های مناسکی تعامل مربوط می‌شود که رندال کالینز آن را تبیین می‌کند.

وسنو در چارچوب نظری ساختارگرایی، رویکرد تازه‌ای به فرهنگ دارد که دربردارنده سه نکته درباره فرهنگ است. در اعتقاد و سنو ۱. فرهنگ تولید می‌شود؛ ۲. فرهنگ محصولات و فرآورده‌های عینی و ملموس یعنی کالاها و اشیا نمادین است و ۳. فرهنگ در درون محیط پویا یافت می‌شود و از محیط‌های عینی و ملموس جدا نیست. به اعتقاد و سنو نهضت‌های فکری و ایدئولوژیک مانند گفتمان نیز باید در قالب همین نگاه به فرهنگ مطالعه شوند (مهرآئین، ۱۳۸۶: ۲۱۹ به نقل از wuthnow, 1989). و سنو می‌گوید اگر به «فرهنگ به این شیوه نگریسته شود، آنگاه باید در مطالعه فرهنگ توجه خود را به تولیدکنندگان گفتمان، مخاطبان، متون گفتمانی، شعائر و مناسکی که گفتمان در درون آنها جای داده می‌شود و بافت‌های اجتماعی که گفتمان در درون آنها تولید می‌شود، معطوف سازیم... در این حالت عواملی همچون در دسترس بودن یا نبودن منابع مزبور و همچنین چگونگی توزیع آنها نقش عمده‌ای در تعیین مسیر تغییر فرهنگی ایفا می‌نمایند.» (همان، ۲۲۰، به نقل از و سنو).

Wuthnow, Robert

۲ Articulation

در اعتقاد وسنو، تولید فرهنگی (گفتمان) مرکب از جایگزینی ساده گفتمانی به جای گفتمان دیگر نیست، بلکه این تغییر باید فرایند سه مرحله‌ای تولید، انتخاب و نهادینه شدن را پشت سر بگذراند. همچنین خلق و تولید گفتمان نیاز به منابع لازم برای تولید و فضای اجتماعی کافی برای رشد دارد. این دو امکان بالقوه‌ای هستند که بالفعل شدن آن به وضعیت ساختاری جامعه و نحوه پیوند میان ساختار و فرهنگ وابسته است. ... وسنو تأکید می‌کند که تولید گفتمان اغلب گسسته و نامستمر است. نقاط عطف تاریخی یکی از موقعیت‌های امکان ظهور گفتمان‌هاست. اغلب گفتمان‌ها در نقاط عطف تاریخی و ابداع و خلاقیت فرهنگی ظهور می‌یابند. وسنو که رویکرد عینی به مطالعات فرهنگی دارد، وظیفه تحلیل‌گر فرهنگ را توجه به شرایط واقعی تولید و توزیع محصولات ایدئولوژیک (گفتمانی) دانسته و معتقد است نشان‌دادن قرابت‌های کلی میان الگوهای گفتمانی و ویژگی‌های کلی محیط اجتماعی در تحلیل فرهنگی کیفیت نمی‌کند، تحلیل‌گر فرهنگ باید به محصولات و تولیدات عینی و قابل مشاهده فرهنگی در محیط اجتماعی توجه کند. وسنو یکی از اهداف اصلی پژوهشگر فرهنگی را فراهم آوردن نظریه‌ای در خصوص راه‌ها و مکانیسم‌های پیوند ایدئولوژی (گفتمان) و ساختار اجتماعی می‌داند و تأکید می‌کند که نظریه فرهنگی باید روشن سازد که چه مکانیسم‌های واسطی تغییرات اجتماعی و تغییر فرهنگی را در پیوند با یکدیگر قرار می‌دهند. وسنو همچنین درصدد است تا مشخص سازد که تا چه حدود محتوای محصولات فرهنگی تحت تأثیر شرایط اجتماعی شکل می‌گیرد و به چه میزان محتوای آنها از مقتضیات شرایط اجتماعی فراتر می‌رود.

از جمله واسطه‌ها و مؤلفه‌های پیوند میان گفتمان و ساختارهای اجتماعی بافت‌های نهادی (دولت و...) و نظم اخلاقی هستند که محیط اجتماعی را در پیوند با گفتمان قرار می‌دهند. بافت‌ها یا زمینه‌های نهادی بی‌واسطه‌ترین موقعیت‌ها و محیط‌های تولید گفتمان هستند که منابع مزبور در درون آنها ساخت و قالب می‌یابند. نهادهای فرهنگی، روزنامه‌ها، بازاربان و... از جمله مصادیق بافت‌های نهادی هستند (همان: ۲۲۲-۲۲۴).

تغییرات محیطی موجب تغییراتی در بخش‌های متفاوت جامعه از جمله تغییراتی در دولت و نهادهای دولتی می‌شود و از این مسیر منابع موجود به سمت تولیدکنندگان گفتمان جدید هدایت می‌شود. در نتیجه، اندازه تولیدکنندگان فرهنگ و همچنین مخاطبان و مصرف‌کنندگان بالقوه گفتمان جدید افزایش می‌یابد. تغییرات مزبور، فرصت کافی برای بسیج امکانات، تولید و

توزیع و نهادینه شدن گفتمان جدید را فراهم می‌آورد. بنابراین تغییر یافتن شرایط کلان محیط با واسطه‌هایی موجب تدارک و بسیج منابع اجتماعی برای تولید گفتمان می‌شود.

کالینز نیز به رابطه میان اندیشه و ساختارهای اقتصادی- اجتماعی پرداخته‌است. نظریه کالینز ریشه در پدیدارشناسی و روش‌شناسی مردمی دارد. کانون توجه کالینز تحلیل سطح خرد کنش و به‌عبارت دیگر تضاد در سطح خرد است. او به قشربندی و سازماندهی بر پایه تعامل حیات روزمره تأکید دارد. کالینز به دوگانگی میان ساختارهای اجتماعی و کنشگران، که سازنده آنها هستند، قائل نیست. کالینز بیشتر ساختارهای اجتماعی را الگوی تعامل، نه پدیده‌ای بیرونی و قهری، تلقی می‌کند. او کنشگر را همواره در حال خلق و بازآفرینی سازمان اجتماعی می‌بیند (ریتزر، ۱۳۹۳: ۳۶۶). مدل نظری کالینز «زنجیره‌های مناسکی تعامل» است یعنی مجموعه زنجیره‌های فردی تجربه تعاملی که در طول زمان در مکان با یکدیگر تداخل پیدا می‌کند. کالینز سطح تحلیل را به تعامل (نه فرد) و مرکز را به زنجیره‌های تعاملی ارتقا می‌دهد.

او معتقد است اندیشه‌های انتزاعی تنها زمانی به‌وجود می‌آیند که شبکه‌ای از روشنفکران بر مجموعه‌ای از مسائل متمرکز می‌شوند و بر ذخیره مفاهیم خود می‌افزایند. ساختار درونی این شبکه‌هاست که اندیشه‌ها را از طریق ارتباطات عمودی بین نسلی و ائتلاف‌ها و مخالفت‌های افقی تولید می‌کند (پیشین، ۲۸۴).

کالینز سه مؤلفه اصلی ساختار مناسک تعاملی و چگونگی واکنش افراد در این شبکه را چنین در نظر می‌گیرد:

سرمایه فرهنگی: نمادها و محصولات فکری که از طریق نوشتار، گفتگو و سخنرانی حاصل می‌شود و دربردارنده بار معنایی عضویت افراد و هم‌بستگی آنان در درون شبکه فکری است. سرمایه فرهنگی به‌عنوان تمایلات پایدار فرد محسوب می‌شود و به دو دسته عینی و ذهنی قابل تفکیک است.

انرژی عاطفی و خلاقیت: انرژی عاطفی نیرویی است که در جریان کنش متقابل و در نتیجه مشارکت افراد در فعالیت و فرایند مناسک تعامل ایجاد می‌شود. انرژی عاطفی موجب

پویایی رفتاری کنشگر می‌شود. خلاقیت نمودی از سرمایه فرهنگی است که افراد برای خلق اندیشه‌های جدید به کار می‌گیرند.

ساختار فرصت: اشاره به موقعیت فرد در درون این شبکه دارد که خود در ارتباط با سرمایه فرهنگی، فضای گفتگو و... قرار دارد (عبادللهی، حمید و خستو، زهرا، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲). از نظر کالینز گردهمایی مانند گفتگو، سخنرانی‌ها و... که ساختاری چهره‌به‌چهره دارند ثابت‌ترین وجه کل تاریخ حیات فکری هستند (همان: ۳۱).

با توجه به مبانی نظری فوق، چارچوب نظری تحقیق حاضر ترکیبی از نظریه پیوند فرهنگی و سنو و زنجیره‌های مناسکی تعامل کالینز است که هم شرایط محیطی (نقش دولت) ظهور و هم مکانیسم‌های آن را در گفتمان سیاسی مذهبی تبیین می‌کند. جامعه ایران با سقوط دولت قاجار و آغاز دولت پهلوی در معرض تغییرات عمده‌ای قرار گرفت. تغییرات گسترده اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی که از پهلوی اول آغاز و در دولت پهلوی دوم، فرایند تکمیل شدن آن طی شد، موجب ایجاد نهادها و مؤسسات آموزشی و فرهنگی، وسایل ارتباطی جدید، ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها و توسعه نهادهای فرهنگی، مذهبی، نشریات و روزنامه و... شد علاوه بر شرایط فرهنگی ایجادشده، مخالفت دولت پهلوی با مذهب و نیروهای مذهبی و همچنین تغییراتی که در درون جریان مذهبی دهه چهل رخ داد، زمینه‌های بسیج منابع گفتمان سیاسی مذهبی را تسهیل کرد. البته شرایط فوق به‌طور مستقیم نمی‌توانست منجر به ظهور گفتمان سیاسی مذهبی شود. حاملان و تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی نیازمند نهادهای واسط و مکانیسم‌هایی بودند تا منابع موجود را به سمت تولید گفتمان سیاسی مذهبی هدایت کنند. هیئت‌های مذهبی به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین بافت نهادی برای نیروهای سیاسی مذهبی امکان شکل دادن به «زنجیره‌های تعامل» را در شبکه‌ای از نیروهای مذهبی فراهم ساخت تا بر مجموعه‌ای از نشانه‌ها و نمادها و همچنین مسائل خاصی متمرکز شوند و افراد را در شبکه عظیم پیوند دهند. زمان و مکان‌های مذهبی در تقویم شیعه و هم‌نوایی مردم، خصوصاً توده مردم، با این تشکل، فرصتی را برای تولید و توزیع و نهادینه شدن این گفتمان مهیا کرد. هیئت‌های مذهبی این امکان را فراهم کرد تا افراد کنارهم قرار گیرند و در جریان سخنرانی با نمادها و نشانه‌های سیاسی مذهبی آشنا شوند و روی موضوعات مشخصی تمرکز یابند. این محفل مذهبی عواطف خاصی میان اعضا گروه برانگیخته و عضویت فرد در گروه محقق شد.

بنابراین تعامل چهره‌به‌چهره در هیئت‌های مذهبی هم منبع انرژی عاطفی و ذخیره‌های نمادین آن هم سرمایه فرهنگی اعضا این سازمان مذهبی شد. اگرچه ایجاد زنجیره تعاملی در بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و گفتمان‌های داخل ایران وجود داشت، اما این زنجیره با توجه به بافت فرهنگی - دینی جامعه ایران برای ظهور گفتمان سیاسی بسیار مؤثر و کارآمد شد. از این رو نیروها و حاملان گفتمان سیاسی مذهبی با بی‌ثبات کردن نظم حاکم و ایجاد بحران در آن و مرزبندی با سایر گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌ها، مخاطبان را مستعد پذیرش نظم اخلاقی جدیدی ساختند و گفتمان سیاسی مذهبی را به منصف ظهور رساندند.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله کیفی است زیرا پژوهشگر در تبیین این اهداف نیازمند فهم نظام فرهنگی است که کنشگر در آن زندگی می‌کند. محقق برای شناسایی نظم و روندهای تغییر باید با نگاهی موشکافانه، شرایط و وقایع موجود را مطالعه کند. از این رو، رویکرد این مقاله کیفی و روش آن تاریخی - تفسیری انتخاب شده است. در روش تاریخی، محقق درصدد آن است که با بررسی و مطالعه اسناد و مدارک حقایق گذشته را جمع‌آوری و ارزشیابی کند و با تجزیه و تحلیل آنها، مستندات مستدل و منظم و عینی ارائه کند. از نظر استنفن ایزاک، پژوهش تاریخی «بازسازی سیستماتیک و عینی گذشته است که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد» (ایزاک، ۱۳۷۴: ۵۴). بنابراین، مقاله حاضر ابتدا اسناد و مدارکی را که تحولات و شرایط اقتصادی و سیاسی دهه چهارم را بررسی کردند به عنوان داده‌های ثانویه مطالعه کرده است. سپس با استناد به اسناد و مدارک مزبور، متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی اعم از متغیرهای حوزه اندیشه دینی و متغیرهای فرهنگی اقتصادی و اجتماعی از سوی دولت مدرن را شناسایی کرده، سپس میان شرایط مزبور و تولید گفتمان سیاسی پیوند ایجاد کرده است و نشان داده که تغییر شرایط چگونه فرصت‌هایی را برای گفتمان سیاسی مذهبی ایجاد و محدودیت‌های ظهور این گفتمان را برطرف کردند. همچنین با مطالعه و تحلیل اسناد و مدارک مکانیسم‌هایی را که تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی برای تولید، توزیع و نهادینه کردن این گفتمان به کار گرفتند را معین ساخته است. بنابراین در مرحله نخست، نقش عوامل و نیروهای

اجتماعی، به ویژه دولت، در فراهم آوردن منابع و فضای اجتماعی لازم برای ظهور گفتمان هیئت‌های سیاسی مذهبی شناسایی شد و در مرحله بعد، مکانیسم‌های تولیدکنندگان و حاملان گفتمان مذهبی در ظهور این گفتمان مطالعه و معین شد. قلمرو موضوعی و زمانی این تحقیق، ظهور گفتمان سیاسی مذهبی و شکل نهادی آن یعنی مجامع و هیئت‌های مذهبی در دوره زمانی دهه چهل در ایران است؛ البته با توجه به پیوستگی واقعیت‌های اجتماعی، این تحقیق بالزوره اسناد و مدارک قبل و بعد دهه چهل را نیز مطالعه و تحلیل کرده‌است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق که پاسخ به سؤال‌های مطرح‌شده مقاله است در دو بخش زیر تدوین یافته؛ ابتدا به سؤال نخست یعنی شرایط تاریخی زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان سیاسی و متغیرهای مهم آن یعنی متغیرهای فرهنگی اقتصادی و اجتماعی به‌خصوص نقش دولت دوم پهلوی و متغیرهای درون جریان مذهبی می‌پردازد. ثانیاً به مکانیزم‌های واسطه‌ای که حاملان و تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی در اختیار داشتند تا گفتمان سیاسی مذهبی را به منصفه ظهور برسانند پاسخ می‌دهد.

متغیرهای زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی

عوامل اثرگذار در ایجاد فرصت و رفع محدودیت برای شکل‌گیری گفتمان در هر جامعه، متفاوت است. از این رو لازم است تا شرایط و عوامل تاریخی زمینه‌ساز گفتمان سیاسی مذهبی نیز مطالعه شود. این دهه مقارن با دهه سوم دولت پهلوی دوم است. پرداختن به همه تحولات تاریخی در همه آن سال‌ها، کاری فراتر از هدف این مقاله است. این پژوهش با بررسی شرایط تاریخی قصد دارد که متغیرهای مؤثر درونی و بیرونی که در شکل‌گیری گفتمان هیئت‌های سیاسی مذهبی نقش مهمی داشتند شناسایی کند.

الف) متغیرهای بیرونی (نقش متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دولت پهلوی دوم)

زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی

پس از تثبیت قدرت حکومت محمدرضاشاه، خصوصاً پس از کودتای سال ۱۳۳۲ دورانی جدید برای تولید فرهنگ ایجاد شد. نوسازی‌های انجام‌شده در این دوره، تأثیرات ملموس‌تری را در حوزه تولید اندیشه داشته‌است. محققان پیامدهای فرهنگی زیر را حاصل توسعه اقتصادی و اجتماعی دوران پهلوی دوم برشمردند:

افزایش بهره‌گیری از آموزش و پرورش مدرن
افزایش میزان انتشار نشریات و کتاب
افزایش میزان استفاده مردم ایران از رسانه‌های جمعی
رشد نهادها، نشریات و گفتمان‌های ادبی- هنری
فعال شدن مساجد و شبکه مدارس مذهبی

شکل‌گیری محیط متکثر فکری و تولید گفتمان‌های جدید (مهرآئین، ۱۳۶۸: ۵۶۵-۵۶۸).
پیامدهای فرهنگی فوق شرایط عام برای تغییرات فرهنگی در جامعه ما بودند، اما برخی اصلاحات و اقدامات در زمان پهلوی دوم، خصوصاً جنبه‌های دین‌ستیزانه آن، زمینه‌های خاص ایجاد فرصت و رفع محدودیت گفتمان سیاسی مذهبی شناخته می‌شوند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. اصلاحات ارضی؛ یکی از اقدامات مهم در دوران پهلوی دوم انجام اصلاحات ارضی در آبان ۱۳۲۸ ش بود. اصلاحات ارضی اگرچه در محدوده «۱۹ درصد دهقان‌ها و ۳۱ درصد زمین‌های زراعی این کشور» (مجد، ۱۳۹۱) اعمال شد، اما پیامدهای اصلاحات ارضی را نمی‌توان محدود به همین درصد از دهقانان یا زمین‌های زراعی دانست. اصلاحات ارضی پیامدهایی برای کل جمعیت کشور به دنبال داشت. البته اصلاحات ارضی از جانب نیروهای مذهبی، از جمله روحانیون، مخالفت‌های بسیار زیادی به دنبال نداشت؛ اما زمینه‌هایی را برای مخالفت گفتمان سیاسی مذهبی با گفتمان شاه را فراهم ساخت.

۲. تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی ولایتی مهر ۱۳۴۱؛ شاید هیچ اتفاقی در ظهور گفتمان سیاسی مذهبی به میزان تأثیر تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی ولایتی نبوده است. حذف قید اسلام و سوگند به غیر کتاب قرآن برای هیچ فرد مذهبی قابل تحمل نبود (امینی، ۱۳۸۱: ۲۶۱).
نمودهای ضد دینی این لایحه سنگ زیرین اجتماع علما بر ضد گفتمان پهلوی را آماده کرد.
تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اولین تنش بین روحانیت شیعه و رژیم شاه را نمایان تر کرد (ملک‌زاده، بقایی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۳. انقلاب سفید شاه و ملت دی ماه ۱۳۴۱؛ انقلاب سفید شاه و ملت اقدام دیگر پهلوی دوم بود. این اقدام نیز با مخالفت‌های نیروهای مذهبی به‌خصوص تولیدکنندگان گفتمان سیاسی همراه بود. در این میان، بیشترین و صریح‌ترین مخالفت‌ها با گفتمان پهلوی از طرف نیروهای

سیاسی مذهبی به پیشگامی مراجع تقلید و از همه مبرزتر امام خمینی صورت گرفت. نشانه‌های تقابل این دو گفتمان را می‌توان در ابراز مخالفت و ارسال پیام‌های کتبی و شفاهی به مقامات رسمی و شخص شاه و دعوت به تجمع و راهپیمایی و سرانجام تحریم حضور در فرآیند انقلاب سفید مشاهده کرد. اگرچه سرکوبی این قیام در آن مقطع زمانی، برای شاه پیروزی بزرگی به حساب می‌آمد، اما از میان رفتن زمینه گفتگو میان حاکمیت و نیروهای سیاسی موجود در جامعه موجب شد تا گروه‌های مخالف در نتیجه‌گیری نهایی شخص شاه را عامل اساسی جلوگیری از توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بدانند (جودکی، بی تا) و راه تقابل آن را از مسیری جز گفتگو طی کنند. ۴. تصویب مصونیت مستشاران امریکایی (قانون کاپیتولاسیون) مهر ۱۳۴۳؛ تصویب این قانون نیز موجب مخالفت‌هایی از سوی نیروهای مذهبی از جمله گفتمان سیاسی مذهبی شد. امام خمینی در سخنرانی خود، این قانون را احیای قانون کاپیتولاسیون دانست و با آن شدیداً مخالفت کرد.

(ب) متغیرهای درون دینی زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی

علاوه بر متغیرهای کلانی که با گفتمان حاکمیت یا گفتمان پهلوی زمینه‌ساز گفتمان سیاسی مذهبی بود، در درون جریان مذهبی نیز تغییراتی اتفاق افتاد که در ظهور و شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی سهم بسزایی داشتند. به عبارت دیگر، چنانچه تغییرات اصلاحی پهلوی دوم را شرط لازم زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان سیاسی بدانیم، شرط کافی آن را باید در تغییرات نهاد مذهبی جستجو کرد. در ذیل به برخی دلایلی که منجر به ایجاد فرصت و رفع محدودیت درون جریان مذهبی برای گفتمان سیاسی مذهبی شده است اشاره می‌کنیم.

۱. حاکمیت اندیشه سیاسی مذهبی: براساس یافته محققان دینی، به‌طور کلی هفت گفتمان غالب در مورد اندیشه سیاسی شیعه و به تبع آن رابطه نهاد دین و روحانیت با حکومت از عصر غیبت تا جمهوری اسلامی دسته‌بندی شده است. یکی از آنها «مبارزه عملی برای تحقق حکومت اسلامی» است. این اندیشه در تاریخ معاصر، در زمان مرجعیت امام خمینی مطرح شد (کدیور، ۱۳۷۹). این گفتمان «حاکمی از گسترش روزافزون دایره تصرفات دینی و ملی ولایت فقیه و قبض نسبی میدان عمل و مدیریت مراجع تقلید است» (رضوی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

۲. فوت آیت‌الله بروجردی و تعدد مرجعیت: پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی در دهه ۱۳۴۰، شاهد حضور مرجعیت متعدد در ایران بودیم (رضوی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). در دوره آیت‌الله بروجردی، نوعی تمرکز نسبی در مرجعیت شکل گرفته بود که پس از فوت ایشان این تمرکز از بین رفت. مسئله مهم در این خصوص، نفس تکثر مراجع نیست، بلکه بروز گفتمان یا خرده‌گفتمان متکثر از سوی مراجع دینی است، به‌گونه‌ای که بسیاری درگذشت آیت‌الله بروجردی را دوران تازه‌ای در حیات مذهبی ایران برشمارند (همان).

۳. اجماع نسبی علما در مخالفت با اقدامات نوسازانه و ضد‌مذهبی پهلوی دوم؛ اگرچه اغلب روحانیون با سیاست‌های پهلوی موافق نبودند، اما در اعلان مخالفت خود با این سیاست‌ها هم متحد و یکدست نبودند. «یکپارچگی سیاسی روحانیون در مخالفت با حکومت، پدیده‌ای است که در سال‌های پس از ۱۳۴۲ شکل گرفت» (مهرآئین، ۱۳۸۶: ۵۶). این اقدامات باعث شد که گفتمان سیاسی مذهبی با مخالفت کمتری در درون جریان مذهبی مواجه شود.

۴. طرح مرجعیت امام خمینی؛ از دیگر تغییرات محیطی دهه ۱۳۴۰، طرح مرجعیت امام خمینی بود که مبتکر اندیشه دینی پیوند سیاست با دین در تاریخ معاصر ایران است. گفتمان سیاسی امام خمینی با دیگر گفتمان‌های اسلامی متفاوت بود. «امام خمینی مفهوم مرکزی اسلام را متشکل از سه عنصر اعتقاد، شیوه زندگی و یک نظم سیاسی در نظر می‌گرفت (سعید، ۱۳۷۹: ۵۵). این گفتمان به‌روشنی با گفتمانی که اسلام را در اعتقادات صرف یا اعتقادات با شیوه زندگی بدون نظم سیاسی تعریف می‌کرد مجزا و متفاوت بود. نتیجه چنین نگاهی تغییر از یک مخالفت و طرح سیاسی ساده به جنبش ضد نظم حاکم بود (همان، ۱۰۴). این گفتمان در دوران پس از آیت‌الله بروجردی، از سوی آیت‌الله خمینی پیگیری شد. به‌گونه‌ای که وی مرجع شاخص

۱. «مناسبات آیت‌الله بروجردی با جامعه در طی دوران مرجعیت ایشان، تا میزان زیادی متأثر از تجربه علما و روحانیان در دو مقطع انقلاب مشروطه و شکست نهضت مشروطه‌خواهی و دوره حکومت رضاشاه است... همین تجربه سبب می‌شد وی علاوه بر پیش گرفتن خط‌مشی کناره‌گیری سیاسی در برخورد و مواجهه با رویدادهای سیاسی و به‌ویژه مداخله علما و روحانیان در امور حکومت، نسبت به پشتیبانی مردم برای در پیش گرفتن برخورد تقابلی با حکومت چندان خوشبین نباشد و به طلاب و روحانیان علاقه‌مند به مسائل سیاسی نیز از دریچه همین تجربه خود، به عدم ورود در مسائلی که فرجام آن را نمی‌دانند توصیه کند... با درگذشت آیت‌الله بروجردی، دوره جدیدی آغاز شد» (رضوی، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۰۰).

گفتمان مبارزه با حکومت و تشکیل حکومت اسلامی و برقراری نظام ولایت فقیه شد. نمودار زیر فرایندهای تغییر شرایط محیطی در ایجاد فرصت و رفع محدودیت برای ظهور گفتمان سیاسی مذهبی را نشان می‌دهد.

مکانیزم‌های واسط در ظهور گفتمان سیاسی مذهبی

آنچه تاکنون اشاره شد پاسخ به سؤال اول تحقیق یعنی شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی و شناسایی متغیرهای مهم آن بود. شرایط و عوامل فوق به تنهایی نمی‌توانند مبین ظهور گفتمان سیاسی مذهبی باشند. ظهور هر گفتمان تابعی از قدرت و توان حاملان و تولیدکنندگان آن گفتمان در بسیج منابع، ایجاد زنجیره‌های تعامل و درنهایت ایجاد نظم اخلاقی جدید است. در ادامه مقاله به سؤال دوم این تحقیق یعنی مکانیزم‌های ظهور گفتمان سیاسی مذهبی اشاره می‌شود. در ذیل مکانیزم تولید، توزیع و نهادینه‌شدن یا به‌منصه ظهور رسیدن گفتمان سیاسی مذهبی توضیح داده می‌شود:

بسیج منابع

بسیج در معنای عام، روندی است که یک واحد اجتماعی بر منابعی که پیش‌تر بر آن کنترل نداشته‌است کنترل می‌یابد (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۹ به نقل از بشریه). در مقاله حاضر، بسیج منابع، مکانیزم‌ها و فعالیت‌هایی است که تولیدکنندگان و حاملان گفتمان سیاسی مذهبی به شکلی سازمان‌یافته در جهت تحقق گفتمان خود به‌کار می‌گرفتند تا گفتمان موردنظر در دسترس مخاطبان و ذی‌نفعان قرار گیرد، مانند نوشتن و انتشار کتاب، مقاله، نشریه، جزوه‌ها، روزنامه‌ها، ایراد سخنرانی‌ها، نشست‌ها، سازماندهی نیروها و... بی‌گمان، بدون بسیج منابع، تحقق گفتمان هم میسر نمی‌شود از این‌رو، و سنو معتقد است «بسیج منابع» مهم‌ترین شرط در فرایند تولید فرهنگ (مهرآئین، ۱۳۸۶: ۲۳۵) یا گفتمان است. مهم‌ترین منابع بسیج در گفتمان سیاسی در ذیل آمده‌است.

۱. نیروی انسانی

نیرو شاخص و مرجع در گفتمان سیاسی مذهبی امام خمینی بود. علاوه بر او حداقل دو گروه عمده از روحانیون نقش مؤثری در بسیج گفتمان سیاسی مذهبی داشتند: الف) روحانیون

و نیروهای مذهبی که به لحاظ سیاسی عملگرا بودند. این گروه اگرچه در فواصل زمانی متفاوتی به این گفتمان ملحق شدند، اما همه آنان در جهت‌گیری سیاسی و عمگرایانه با هم اشتراک داشته‌اند. در رأس این نیروها آیت‌الله منتظری و آیت‌الله ربانی املشی و... در مرحله بعدی آیت‌الله سعیدی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، فضل‌الله محلاتی... قرار داشتند و روحانیونی که از سال‌های پس از تبعید ایشان به حمایت از او پرداختند، مانند آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله قاضی طباطبایی و آیت‌الله دستغیب و... (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۰۵۳۱۵) که با سخنرانی و کار تشکیلاتی به تولید و توزیع گفتمان سیاسی امام‌خیمینی همت گذاشتند و نقش مهمی در این زمینه ایفا کردند.

ب) روحانیون و نیروهایی بودند که با تمرکز روی مسائل فرهنگی از این گفتمان حمایت کردند. اینان با تولید و تبیین اندیشه سیاسی تلاش‌های فراوانی در جهت نهادینه‌کردن اندیشه گفتمان‌سیاسی و غیرموجه جلوه‌دادن گفتمان شاه داشتند. روحانیون و نیروهای شاخص این دسته عبارت بودند از آیت‌الله مطهری، شهید بهشتی، محمدتقی فلسفی، محمدتقی جعفری، محمد جواد باهنر و... این گروه منبری‌های مذهبی در تهران و شهرستان‌ها بودند که رسالت آنان طرح مباحث فرهنگی - سیاسی گفتمان سیاسی بود (همان: ۳۱۵-۳۲۵). از آبان ۱۳۴۱ که اولین جرقه‌های مخالفت‌های گفتمانی ضدحکومتی مطرح شد تا ظهور گفتمان سیاسی، حاملان گفتمان سیاسی و نیروی شاخص آن، یعنی امام‌خیمینی، با بسیج و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، نیروها و شکل‌های مذهبی مستقل با بهره‌گیری از توان مالی موقوفات دینی و بازار و توجه به مناسبات مذهبی در تقویم شیعی با خلاقیت و ابتکار فرهنگی توانستند امکانات و منابع مؤثری علیه گفتمان پهلوی و دو گفتمان دیگر، یعنی گفتمان متمایل به اندیشه‌های غرب و گفتمان مذهبی نواندیش، بسیج کنند.

۲. بسیج تشکل‌ها، انجمن‌ها و مدارس مذهبی، گفتمان سیاسی از انجمن‌ها و تشکلات مذهبی دینی در تولید و توزیع این گفتمان نیز بهره گرفت. این تشکل‌ها در حد اجتماعات محلی و گاه فرامحلی سهم مهمی در تولید و توزیع گفتمان سیاسی مذهبی داشتند. برخی از این مجامع عبارت بودند از «ائمه جماعت تهران، اتحادیه جوانان سادات حسینی، اتحادیه دستجات عزاداران حسینی بروجرد، انجمن احیا تعمیرات مساجد قدیمه، انجمن اسلامی مهندسين، انجمن تبلیغات اسلامی، انجمن مبارزه با فحشا و فساد انجمن مسلمین شرق شهباز، انجمن نبرد با

مسکرات کرمانشاه، انقلابیون اسلام، جامعه اهل منبر کرمان، هیئت علمیۀ تهران، هیئت قائمیه، هیئت مصلحین حوزه علمیه قم و... (موسوی و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۵۷-۴۶۰). موسوی و همکارانشان تعداد انجمن و مجامع مذهبی را بیش از ۱۰۰ مؤسسه و انجمن برشمردند (همان)، هرچند برخی از مجامع مزبور با گفتمان سیاسی خوانش امام خمینی فاصله داشتند، اما سهمی هم در بسیج گفتمان سیاسی مذهبی داشتند. برخی از مهم‌ترین تشکل‌ها، انجمن‌ها و مدارس مذهبی در جدول زیر آمده‌است.

جدول شماره ۱. مهم‌ترین تشکل‌ها، انجمن‌ها و مدارس مذهبی دهه ۱۳۴۰

ردیف	نام نهادهای مذهبی	بنیانگذار	جهت‌گیری کلی - سال تأسیس
۱-	انجمن تبلیغات اسلامی	عطاءالله شهاب‌پور (کرمانشاهی)	سنتی با گرایش به خرافه‌ستیزی و نشان دادن حقایق اسلام به زبان امروزی ۱۳۲۱
۲-	اتحادیه مسلمین	حاج مهدی سراج انصاری (محمود طالقانی، و...)	سنتی با گرایش به خرافه‌ستیزی و نشان دادن سازگاری اسلام با روزگار جدید ۱۳۲۵.
۳-	جامعه تعلیمات اسلامی	شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری	سنتی، تربیت اطفال و جوانان به شرع، پاسخ دادن به مخالفین اسلام ۱۳۲۲
۴-	نهضت خدایپرستان سوسیالیست	محمد نخشب و حسین راضی	سوسیالیسم اسلامی، ارائه تفاسیر نوگرایانه از اسلام ۱۳۲۲
۵-	جمعیت جامعه مسلمین	-----	سنتی، وحدت اسلامی، تاحدودی تحول‌خواه
۶-	جامعه اخوان المسلمین	عمادزاده	سنتی، تا حدودی تحول‌خواه
۷-	حزب اخوان المسلمین	-----	سوسیالیسم اسلامی
۸-	کانون اسلام	آیت‌الله سیدمحمود طالقانی	سازگار نشان دادن دین با علوم جدید ۱۳۲۰
۹-	انجمن اسلامی دانشجویان	دانشجویان پزشکی دانشگاه تهران	اصلاح جامعه بر طبق دستورات اسلام، تبلیغ اسلام، مبارزه با خرافات ۱۳۲۰

-----	محمدباقر حجازی	جمعیت مسلمانان بیدار	-۱۰
پاسخ به انتقادات مارکسیست‌ها از اسلام، سازگار نشان دادن اسلام با دنیای جدید دهه ۱۳۲۰	محمدتقی شریعتی	کانون نشر حقایق اسلام (مشهد)	-۱۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ادامه جدول شماره ۱. مهم‌ترین تشکل‌ها، انجمن‌ها و مدارس مذهبی دهه ۱۳۴۰

ردیف	نام نهادهای مذهبی	بنیانگذار	جهت‌گیری کلی - سال تأسیس
۱۲-	انجمن پیروان قرآن (مشهد)	علی اصغر عابدزاده	-----
۱۳-	جمعیت فدائیان اسلام	نواب صفوی	ستتی رادیکال
۱۴-	مدرسه دین و دانش	آیت‌الله بهشتی	ستتی، تا حدودی تحول‌خواه
۱۵-	دارالتبلیغ اسلامی	آیت‌الله شریعتمداری	ستتی، تربیت طلاب، تا حدودی تحول‌خواه ۱۳۴۴
۱۶-	مؤسسه در راه حق و اصول دین	جمعی از طلاب قم	مبارزه با مارکسیسم ۱۳۴۳
۱۷-	مدرسه حقانی (مدرسه منتظریه)	حاج علی حقانی	تربیت طلاب، مبارزه با مارکسیسم ۱۳۳۷
۱۸-	دبیرستان پسرانه کمال	یدالله سبحانی	مبارزه با مارکسیسم
۱۹-	مدرسه علوی	حاج شیخ علی اصغر کرباسچیان	مذهبی - مدرن ۱۳۳۵
۲۰-	مساجد جاوید، توحید و الجواد	-----	-----

منبع: (مهرآئین، ۱۳۸۶: ۵۶۵).

منابر و مجالس مهم در بسیج گفتمان سیاسی دهه ۴۰ چهل

از دیگر منابع بسیج در گفتمان سیاسی منابر و مجالس دینی بودند که با توجه به مناسبت‌های متعدد مذهبی در تقویم شیعه، منابر و سخنرانی‌های سیاسی چهره‌به‌چهره یکی از مؤثرترین مکانیزم‌ها در بسیج گفتمان سیاسی مذهبی بود. این گردهمایی هسته اولیه و بنیادین در بسیج و پیوند حاملان گفتمان سیاسی با مردم بودند. برخی از مهم‌ترین سخنرانی و منابر مهم و تأثیرگذار در بسیج گفتمان سیاسی دهه ۱۳۴۰ در جدول شماره ۲ آمده‌است.

جدول شماره ۲. مهم‌ترین سخنرانی و منابع مهم و تأثیرگذار در بسیج گفتمان سیاسی دهه ۱۳۴۰

ردیف	مناسبت	سخنران	تاریخ	مکان
۱	مراسم شهادت حضرت زهرا س	فلسفی	۱۳۴۱	قم
۲	مراسم خانه سید محمد بهبهانی با حضور آیت‌الله سید احمد خوانساری	فلسفی	۱۳۴۱	قم
۳	شهادت امام صادق از طرف آیت‌الله گلپایگانی		۱۳۴۲ فروردین	قم
۴	۱۳ خرداد ۱۳۴۲. منجر به دستگیری امام خمینی و موضع‌گیری آیات عظام میلانی، نجفی مرعشی، محمد تقی آملی، شریعتمداری	امام خمینی	۱۳۴۲ خرداد	فیضیه قم
۵	مجلس ۲۰ فروردین و نامه امام خمینی به علما شهرها برای ایجاد شبکه سراسری اعتراض تشکیل شد. ۱	امام خمینی	۱۳۴۳	قم
۶	مراسم ۴ آبان	امام خمینی.	۱۳۴۳	قم

نشریات، اعلامیه‌ها

علاوه بر شکل سنتی بسیج در نهاد مذهبی، یعنی تبلیغ چهره‌به‌چهره، شکل دیگری که گفتمان سیاسی برای بسیج نیروها از آن بهره‌گرفت، انتشار نشریات، مجله‌ها و کتب مذهبی-سیاسی و بخش اعلامیه‌ها بود. استفاده از ظرفیت تبلیغی رسانه‌های نوشتاری شیوه جدیدی از بسیج در گفتمان سیاسی بود که امکان تولید و توزیع این گفتمان را به نقاط دوردست فراهم می‌ساخت. به همین جهت روحانیون و نیروهای مذهبی سعی داشتند از آن بهره‌گیری کنند. حاملان گفتمان سیاسی ضمن بهره‌گیری از شکل سنتی بسیج و علاوه بر بنیان‌گذاری مراکز، مدارس دینی و فعال کردن آنها، به انتشار نشریات و کتاب و توزیع جزوه‌های دینی نیز توجه داشتند. این نشریات نقش مهمی در آشنایی و سازماندهی طلاب جوان با مسائل فرهنگی-سیاسی روز داشتند. صورت رسانه‌ای جدید همچنین نقش مؤثری در تولید و توزیع افکار و اندیشه‌های حاملان این

اجمله «خمینی را اگر دار بزند تفاهم نخواهد کرد»، کلام امام خمینی است که در سخنرانی ۲۰ فروردین ۱۳۴۳ در مخالفت با گفتمان پهلوی ایراد کرد و خط‌مشی اساسی را در این گفتمان مشخص کرد. این جمله تأثیر زیادی در بسیج مردم داشت.

گفتمان ایفا می‌کردند. خصوصاً دو نشریه بعثت و انتقام که عمدتاً از سوی شاگردان جوان امام خمینی اداره می‌شد و ادبیات آن تند و انقلابی بود و مطابق ایده‌ها و آرمان‌های گفتمان سیاسی مذهبی بود. علاوه بر این دو نشریه برخی از نشریات مهم در تولید و توزیع و در نهایت بسیج منابع و امکانات برای گفتمان سیاسی در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۳. نشریات مهم در بسیج منابع و امکانات برای گفتمان سیاسی

ردیف	نام نشریه	محل، نوع انتشار	جهت‌گیری کلی (مدیریت) - تاریخ
۱-	آیین اسلام	تهران	سنتی، دفاع از روحانیت، تا حدودی تحول‌خواه (نصرت‌الله نوریانی)
۲-	نور دانش	تهران، هفته‌نامه	سنتی با گرایش به خرافه‌ستیزی (عطاءالله شهاب‌پور)
۳-	نور دانش	تهران، سالنامه (از ۱۳۲۴)	سنتی با گرایش به خرافه‌ستیزی (عطاءالله شهاب‌پور)
۴-	دنیای اسلام	تهران	سنتی با گرایش به خرافه‌ستیزی، تا حدودی تحول‌خواه (محمدعلی تقوی)
۵-	مسلمین	تهران	ارگان اتحادیه مسلمین (سراج انصاری)
۶-	مجله تعلیمات اسلامی	تهران	سنتی (شیخ عباسعلی اسلامی)
۷-	پرچم اسلام	تهران	سنتی، وحدت اسلامی، تا حدودی تحول‌خواه (عبدالکریم فقیهی شیرازی)
۸-	خرد	تهران	سنتی (عمادزاده، جعفر حیدرعلی)
۹-	وظیفه	تهران	سنتی، خرافه‌ستیز (محمدباقر حجازی)
۱۰-	پرتو اسلام	تبریز	-----
۱۱-	ندای حق	تهران	سنتی، تا حدودی تحول‌خواه، دفاع از روحانیت، (سیدحسن عدنانی)
۱۲-	حیات مسلمین	تهران	دفاع از دین (مصطفی رهنما)
۱۳-	مجله تاریخ اسلام	تهران	علی‌اکبر تشید
۱۴-	راه حق	رشت	سنتی (شیخ حسن حجتی واعظ)
۱۵-	ماهنامه طالب حق	رشت	سنتی (محمد جوادی)
۱۶-	جلوه حقیقت	سبزوار	فخرالدین حجازی

ادامه جدول شماره ۳. نشریات مهم در بسیج منابع و امکانات برای گفتمان سیاسی

ردیف	نام نشریه	محل، نوع انتشار	جهت‌گیری کلی (مدیریت) - تاریخ
۱۷-	مجله حکمت	قم، دوهفته‌نامه	مبارزه با مارکسیسم (فخرالدین برقی) ۱۳۳۱
۱۸-	مکتب اسلام	قم	مبارزه با مارکسیسم (آیت‌الله شریعتمداری) ۱۳۳۷
۱۹-	مکتب تشیع	قم، فصلنامه	مبارزه با مارکسیسم (هاشمی، باهنر) ۱۳۳۸
۲۰-	بعثت	قم	مبارزه با مارکسیسم (خسروشاهی، هاشمی)
۲۱-	انتقام	قم	مصباح یزدی
۲۲-	طلوع اسلام	تهران	میرمحمدعلی صدرائی اشکوری ۱۳۳۰
۲۳-	مکتب جعفری	قم، سالنامه	مبارزه با مارکسیسم (احمد محصل یزدی) ۱۳۴۰
۲۴-	نشریه مسجد اعظم	قم	ستیی، دفاع از دین (کتابخانه مسجد اعظم) (دانش آشتیانی) ۱۳۴۴
۲۵-	مکتب توحید	تهران	نوگرا ۱۳۵۰
۲۶-	معارف اسلام	همدان	اجتماعی و سیاسی
۲۷-	پیک اسلام	همدان	فرهنگی - سیاسی

منبع: (مهرآئین، ۱۳۸۶: ۵۶۵-۵۶۸).

ناشران مذهبی

علاوه بر نشریات مزبور، نقش ناشران آثار مذهبی نیز در بسیج منابع گفتمان سیاسی کم نبوده است. برخی از ناشران فرهنگی مذهبی و سیاسی مهم دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ عبارت بودند از: انتشارات آذر که بیشتر مرکز پخش کتاب‌های ممنوعه بود و بارها مورد حمله ساواک قرار

گرفت ۱۳۴۰.

انتشارات اسلامی به سرپرستی قاسم نظیفی ۱۳۴۳.

انتشارات اسلامی که در سال ۱۳۴۳ در حوزه نشر آثار مذهبی - سیاسی فعال بود.

انتشارات برهان از حاج‌محسن کتابچی خوانساری بود که در حوزه نشر آثار مذهبی - سیاسی فعال بود.

انتشارات بعثت ۱۳۴۷ آثار منتشره بیشتر در حوزه مذهبی-سیاسی بود به سرپرستی فخرالدین حجازی بود.

انتشارات بنی‌هاشم در تبریز به سرپرستی سراج‌الدین انصاری و خسرو شاهی بود.

انتشارات جهان آرا در حوزه نشر آثار مذهبی-سیاسی فعال بود.

انتشارات جعفری اعدادی در مشهد.

انتشارات حسینیۀ ارشاد، این مرکز علاوه‌بر اینکه مرکز خیریه با اهداف علمی، آموزشی، تبلیغی و پژوهشی بود در عرصه اندیشه دینی فعال بود. این مرکز در جذب جوانان و آگاهی‌بخشی به آنان درباره مباحث دینی و انقلابی نقش بسزایی داشت. آیت‌الله مطهری و دکتر شریعتی از فعالان این مرکز بوده‌اند. حسینیۀ ارشاد در اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی در خیابان شریعتی (شمیران قدیم) تهران تأسیس شد.

انتشارات دارالفکر ۱۳۳۴، به سرپرستی مهدی حائری تهرانی بود.

انتشارات دارالعلم ۱۳۳۶، به سرپرستی عبدالحمید مولانا و آذر قمی بود.

انتشارات رسالت قلم.

سهامی انتشار ۱۳۴۴۰، به سرپرستی مهندس بازرگان بود که انتشاراتی بسیار مهم و گسترده بود.

جنبش ترجمه آثار اجتماعی-سیاسی (عربی) زمینه‌ای برای بازشدن گسترش دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی در قم را فراهم کرد (جعفریان، ۱۳۹۶: ۵۵۷-۵۹۳).

البته علاوه‌بر منابع فوق در بسیج گفتمان سیاسی مذهبی، عوامل پیدا و پنهان دیگری مانند آنچه که به موضوع فلسطین در جهان اسلام و از سوی متفکران مسلمان مطرح می‌شد نیز در نهادینه‌کردن و بسیج گفتمان سیاسی مؤثر بودند، بنابراین از آبان ۱۳۴۱ که اولین سخنرانی ضدحکومتی مطرح شد تا ظهور گفتمان سیاسی، حاملان گفتمان سیاسی مذهبی به‌ویژه

امام‌خمينی با بسیج و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نیروها و تشکل‌ها و شکل نهادی مذهبی مستقل از دولت به همراه شبکه وسیعی از مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌های مذهبی و بهره‌گیری از توان مالی موقوفات دینی و بازار به بسیج علیه گفتمان پهلوی اقدام کرد و با خلاقیت و ابتکار فرهنگی و با انتخاب هیئت‌ها و مجامع مذهبی، که حاکمیت تسلط کمتری بر آن داشت، توانست به تولید و توزیع گفتمان سیاسی مذهبی پردازد. مجامع دینی مکان مناسب در تولید و توزیع گفتمان سیاسی بودند، زیرا می‌توانستند در مکان سیار و حتی مخفیانه، فضایی برای سازماندهی و بسیج نیروها باشند. بنابراین تولیدکنندگان گفتمان سیاسی با بهره‌گیری هوشمندانه از توان و انرژی در شکل نهادی و با بهره‌گیری از تقویم شیعی توانستند که گفتمان خودشان را در تقابل با گفتمان پهلوی و دو گفتمان دیگر (گفتمان تمایل به غرب و گفتمان مذهبی نواندیش) به منصفه ظهور برسانند.

ایجاد زنجیره‌های تعامل

یکی دیگر از مکانسیم‌های مؤثر در ظهور گفتمان سیاسی، ایجاد زنجیره‌های تعامل میان کنشگران در گفتمان سیاسی مذهبی بود. با توجه به جایگاه سنتی مرجعیت شیعه در میان توده مردم و شمار فراوان شاگردان امام‌خمينی و جوان بودن اغلب آنان و علاقه‌مندی آنان به گفتمان سیاسی (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۸۱) و همچنین با توجه به بافت مذهبی و وجود تشکل‌ها و مکان‌های مذهبی در جامعه ما، آیت‌الله خمینی موقعیت استثنایی در مسیر ایجاد زنجیره تعاملی داشت. گفتمان سیاسی در دهه ۱۳۴۰ حداقل با دو پاد گفتمان در تضاد و تقابل بود، یکی گفتمانی بود که پهلوی دوم از اسلام معرفی می‌کرد و دیگر، گفتمان یا خرده گفتمان اسلامی بود که مؤلفه اصلی آن تفکیک دخالت مذهب در سیاست بود. گفتمان سیاسی مذهبی با ایجاد غیریت میان این دو گفتمان، موفقیت خاصی در ایجاد زنجیره تعاملی پیدا کرد. این گفتمان از یک سو با مطرح کردن اسلام در مقابل کفر و ناسازگاری میان این دو و از سوی دیگر با عدم پاسخ‌گویی گفتمان‌ها یا خرده گفتمان‌های مذهبی غیرسیاسی، توانست مرزهای روشنی میان این گفتمان و دو گفتمان مزبور ایجاد کند. از آنجاکه نشانه‌ها و نمادهای گفتمان سیاسی مذهبی از طریق مقابله با دیدگاه‌های رقیب، به‌خصوص گفتمان پهلوی، صورت می‌گرفت، ظرفیت ویژه‌ای در ایجاد زنجیره‌های تعاملی میان تولیدکنندگان گفتمان و مخاطبان آن ایجاد کرد. از این رو، این گفتمان بر

مجموعه‌ای از مسائل متمرکز شد و توانست از طریق ارتباطات عمودی بین‌نسلی و ائتلاف‌ها و مخالفت‌های افقی زنجیره‌ی تعاملی را تا نهادینه‌کردن آن پایدار نگه دارد.

تولیدکنندگان گفتمان سیاسی برای ایجاد زنجیره‌ی تعاملی از بافت‌های اجتماعی در نهاد مذهبی تشیع استفاده کردند. آنان در این راه به‌خوبی تشخیص داده‌بودند که برای بسیج نیروها و ایجاد زنجیره‌ی تعامل میان مخاطبان و تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی نیازمند فرم، تشکل یا ساختار جدید نیستند، بلکه به تغییر درون‌مایه و محتوای گفتمان مذهبی موجود و تغییر نمادها و نشانه‌های سیاسی نیازمند هستند. از این‌رو، شکل نهادی و بافت اجتماعی بومی، یعنی هیئت‌ها و مجامع مذهبی، زنجیره‌ی تعاملی را شکل دادند؛ «مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه‌ی عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است هرچه با شکوهرتر و فشرده‌تر برپا شود و بیرق‌های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم هرچه بیشتر افراشته شود» (صحیفه امام، جلد ۵: ۳۳۱). تا آنجاکه نهادینه‌شدن گفتمان سیاسی را مرهون بهره‌گیری از این بافت اجتماعی برمی‌شمردند «اگر این مجالس وعظ و خطابه نبود کشور ما پیروز نمی‌شد» (تبیان، دفتر سوم: ۱۸). در درون این بافت‌های نهادی بود که اشکال خاصی از حمایت و پشتیبانی مخاطبان حاصل شد. ظهور گفتمان سیاسی در «شبکه‌های سازمان‌یافته‌ی علما شیعه در فرار از کنترل دیکتاتوری پهلوی (سعید، ۱۳۷۹: ۲۴ به نقل از اسکاچپل) یا همان مجامع و هیئت‌های مذهبی صورت گرفت. این بافت نهادی در قالب هیئت‌های مذهبی، مجالس روضه، سخنرانی و... از اساسی‌ترین ساختارهایی بود که توانست در نهادینه‌کردن این گفتمان بیشترین نقش‌آفرینی را داشته‌باشد. «هنگامی که حکومت شاه اعتبار و استقلال همه‌ی نهادهای مدنی مدرن از جمله وکلا، احزاب، مطبوعات، اتحادیه‌ی کارگری و... را از میان برد و آثاری از آنها بر جای نگذاشت، متوجه این نکته نبود که مردم قادرند اتحاد و انسجام خود را در ذیل نهادهای مذهبی، که مستقل از دولت فعالیت داشتند، حفظ کنند و گسترش دهند. در نتیجه، کلیت نهاد دین و روحانیت همراه با شبکه‌ی وسیعی از مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌های مذهبی و حتی صندوق قرض‌الحسنه، محمل مناسبی برای تشکیل مردم شدند» (عبدی، ۱۳۸۶: ۴۴). در میان مجامع مذهبی، شاید هیئت‌های مذهبی به سبب آنکه حاکمیت تسلط کمتری بر آن داشتند، مکان مناسب‌تری در ایجاد زنجیره‌ی تعاملی برای گفتمان سیاسی بود، زیرا در دهه‌ی چهل، برخی از این هیئت‌ها مکان ثابتی نداشتند، پراکندگی

مکان و نامعین بودن زمان برخی از این هیئت‌ها خود نوعی مصونیت و فرصت برای گفتمان سیاسی بود تا به‌صورتی کم‌خطرتر زنجیره‌تعاملی را ایجاد و از آن حراست نماید. ویژگی اخیر در هیئت‌های مذهبی فرصت مناسبی برای ایجاد سازماندهی فراهم می‌کرد. از این‌رو، در مجامع و هیئت‌های^۱ سیاسی مذهبی، سخنرانان، مداحان، بانیان، نشریات و... از نشانه‌ها و نمادهای سیاسی مذهبی، جهت پیوند افراد استفاده کردند. این مجامع افراد را به‌هم پیوند می‌دادند و یکجا جمع می‌کردند و گروه اخلاقی می‌ساختند. توجه به رویکردهای فرهنگی - مذهبی به‌جای نگاه صرفاً مبارزاتی و مسلحانه توسط امام‌خمينی (سوری لکی، ۱۳۹۴: ۵۱) نقش مهمی در ایجاد این زنجیره انسانی داشت. از این‌رو، اندیشه‌های سیاسی مذهبی توانست با ایجاد شبکه‌های بومی و سنتی مذهبی، با تأکید بر مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌های مشترک افراد را کنار هم قرار دهد و

۱. باید توجه داشت که شکل نهادی گفتمان سیاسی مذهبی، یعنی آنچه را که در این تحقیق با عنوان هیئت‌های مذهبی نامیده شده، نمی‌توان از دیگر مکان‌هایی مانند مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مجالس و عظم و روضه و دسته‌جات عزاداری و... که در تولید و توزیع این گفتمان نقش داشتند کاملاً مستقل دانست یا در آن خلاصه و محدود کرد، زیرا بسیاری از هیئت‌های مذهبی در درون همین مکان‌های مذهبی ایجاد شدند به‌عبارت دیگر فضاها و مکان‌های مذهبی به لحاظ کارکردی به میزان زیادی نسبت به یکدیگر هم‌پوشانی داشته و یکدیگر را تقویت می‌کردند. آنچه موجب تمایز آنها می‌شده استفاده از نمادها و نشانه‌های متفاوت بوده‌است برای مثال، اغلب مجامع سیاسی مذهبی هیئت‌هایی بودند که «طی سال‌های ۴۳-۵۷ در بسیاری از مساجد تهران، هیئت‌هایی پدید آمد که گرایش سیاسی داشتند و ساواک برای بیشتر آنان پرونده سیاسی تشکیل داده بود.» (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۰۶) مانند هیئت‌های موتلفه که اغلب فعالیت‌هایشان را در مسجد پیگیری می‌کردند «هیئت‌های موتلفه، در اصل هیئت‌های مذهبی چند مسجد بودند که در جریان نهضت با یکدیگر پیوندی برقرار کرده و به مرور این تشکل را به‌وجود آوردند...» (همان، ۴۰۰). مضافاً به اینکه خیلی از هیئت‌ها با گرایش سیاسی در بیرون از مکان‌های شناخته‌شده دینی یعنی در خانه‌ها جلسات مکرری برگزار می‌کردند (همان: ۴۰۶). گفتمان سیاسی مذهبی از همه این اشکال نهادی مذهبی از جمله هیئت‌های مذهبی برای تولید و توزیع گفتمان خود بهره می‌برد، دلیل آنکه در این پژوهش هیئت‌های مذهبی نمود مورد مطالعه و شکل نهادی گفتمان سیاسی انتخاب گردید، اولاً به سبب شیوع و فراوانی است که شکل نهادی مراسم دینی هیئت‌های دینی امروزه در جامعه ما دارد تا آنجا که براساس آمارهای سازمان تبلیغات اسلامی بیش از ۱۰۰ هزار هیئت مذهبی در کشور ثبت شده‌است که بسیار بیشتر از نمودهای دیگر شکل نهادی مراسم مذهبی است. ثانیاً به‌زعم اینکه فراوان به نقش هیئت‌های مذهبی در توزیع و نهادینه کردن گفتمان سیاسی اشاره می‌شود. در اغلب کتاب‌های تاریخی، اشاره مستقیم و مستقلاً به نقش هیئت‌های مذهبی نشده‌است اما کمتر محققان، تاریخ‌نگاران، جامعه‌شناسان و متخصصان علوم سیاسی به آن پرداخته‌اند.

۲. مانند برخی از گروه‌های سیاسی مذهبی از جمله فدائیان اسلام.

در جریان سخنرانی، وعظ و روضه با نمادها و نشانه‌های گفتمان سیاسی مذهبی آشنا و صاحب سرمایه فرهنگی کند. در این محفل، مذهبی عواطف خاصی میان اعضا گروه برانگیخته و عضویت فرد در گروه را محقق کرد. تعامل چهره‌به‌چهره در هیئت‌های مذهبی هم منبع انرژی عاطفی و هم سرمایه فرهنگی میان اعضا بود. از این رو، مکانسیم زنجیره تعاملی در هیئت‌های مذهبی نقش مؤثری در ظهور گفتمان سیاسی مذهبی داشتند. مهم‌ترین زنجیره تعاملی گفتمان هیئت‌های سیاسی مذهبی را می‌توان در شکل‌های زیر مشاهده کرد: موتلفه، بنی‌فاطمه (س)، بنی‌زهر (س)، قائمیه جوانان بنی‌هاشم، اتفایون، فاطمیون، انصارالحسین، هیئت مکتب الرضا، انصارالائمه، مکتب القرآن.

بحران در نظم اخلاقی

اکنون در پی آن هستیم تا به سومین مکانیزم حاملان گفتمان سیاسی مذهبی در ظهور گفتمان سیاسی مذهبی بپردازیم و اینکه چگونه نظم اخلاقی گفتمان سیاسی نهادینه گردید. بانی سعید معتقد است که تولیدکنندگان گفتمان قبل از استقرار نظم جدید، باید بتواند بحران جدی در نظم اخلاقی حاکم ایجاد کنند و هژمونی نظم حاکم را برهم بزنند. هژمونی جدید تنها در فضایی می‌تواند استقرار یابد که آن فضا از نظم هژمونیک پیشین خالی شده باشد (سعید، ۱۳۷۹: ۹۹). به سخن و سنو، ایدئولوژی‌ها (گفتمان‌ها) در شرایطی که نظم اخلاقی جامعه دچار بی‌ثباتی و عدم قطعیت شده باشند تولید می‌شوند. بنابراین، گفتمان سیاسی مذهبی برای ظهورش به مکانسیمی نیاز داشت تا مشروعیت و مقبولیت نظم اخلاقی حاکم را دچار بی‌ثباتی، عدم قطعیت و بحران کند تا پس از آن برای هژمونیک کردن نظم جدید فعال شود. به معنای دیگر، ظهور گفتمان سیاسی مذهبی و حاکم کردن مناسبات هژمونیک و نظم سیاسی جدید مشروط به چالش کشیدن هژمونی حاکم بود. سوژه هژمونیک وقتی پدید می‌آید که میان عناصری که سرشت آنها از پیش تعیین شده نبود، پیوند برقرار شود و در انواعی از مناسبات قرار گیرد تا کنشگران از میان مواضع افتراقی درون گفتمان (بافت اجتماعی)^۱ موضعی را اشغال کنند و در برابر «تخاصمات اجتماعی»^۲ نوعی روابط «هم‌ارز» شکل دهند (لکائو و موفه، ۱۳۹۳: ۷). هژمونیک شدن به این

^۱Social Fabric

^۲Social Antagnjsme

معناست که معنای نشانه‌ها و نمادها و به تعبیر لکلانو معنای دال‌های یک گفتمان در سطح وسیعی در افکار عمومی مورد پذیرش قرار گیرد «اگر مدلول خاصی با دالی نزدیک شود و در نتیجه بر سر معنای خاصی برای یک دال در اجتماع اجماع حاصل شود، آن دال هژمونیک می‌شود» (قدیری بشردوست، ۱۳۹۳: ۳۵).

نظم اخلاقی دولت پهلوی بیشتر ملهم از دو منبع، یعنی نوسازی غربی و عرفی کردن بود که گفتمان حاکم سعی داشت تا هژمونی آن را در جامعه حفظ کند. گفتمان سیاسی مذهبی «با انتقاد از دستاوردهای تمدن غیردینی غرب، نظم اخلاقی دولت پیشین را آماج حمله‌های خود ساخت» (زهیری، ۱۳۸۲: ۱۱۳) و باعث شد که دال مرکزی و نشانه‌ها و نمادهای آن رفته‌رفته معنا و ثبات لازم را از دست دهند و قادر به ایجاد تعهد و وظایف و تکالیف برای مردم و گروه‌های اجتماعی نباشد.

گفتمان سیاسی مذهبی از شیوه‌های ذیل برای به چالش کشیدن نظم اخلاقی دولت پهلوی و استقرار نظم گفتمانی جدید بهره‌گیری کرد:

۱. بیان معایب و نامشروع دانستن گفتمان پهلوی و خطرناک دانستن تداوم آن و تجویز و تعریف نظم جدید به‌عنوان برون‌رفت از وضعیت موجود. مکانیسم مزبور علت و مسبب شرایط بد و نامطلوب موجود بود و دیگری راه درمان و برون‌رفت از وضعیت موجود و رسیدن به وضع مطلوب. به تعبیر دیگر، مفاد سخنانی که در به چالش کشیدن نظم اخلاقی حاکم و ایجاد نظم اخلاقی جدید دخالت داشتند به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ افکاری که به تخریب نظم اخلاقی حاکم می‌پرداختند و گفتار و اندیشه‌هایی که نظم اخلاقی جدید را تبلیغ و تجویز می‌کردند و آن را شیوه برون‌رفت از وضعیت بد می‌دانستند (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۹۸). امام خمینی و سایر تولیدکنندگان گفتمان سیاسی مذهبی با ابداع و خلاقیت خاص به‌گونه‌ای هم‌زمان، نظم حاکم را وضع نامطلوب و نامشروع دانسته و نظم پیشنهادی و جایگزین را مشروع و مطلوب ترسیم می‌کردند. مصادیق نقد و انتقاد از نظم حاکم عبارت بودند از «سلطه امپریالیسم، بدبختی و محرومیت، استبداد، عیاشی، اسراف و تجمل، بی‌لیاقتی، عدم صلاحیت دولت‌مردان و بوروکراسی فاسد، قوانین و سیاست‌های ضداسلامی، سلطنت، حکومت و پارلمان نامشروع و...» (سوری لکی، ۱۳۹۴: ۵۹، به نقل از اخوان).

۲. انجام مقایسه‌های تاریخی گفتمان حاکم با گفتمان‌های منفور و بدنام تاریخی در مذهب تشیع: یکی دیگر از اقداماتی که تأثیر بسزایی در بی‌ثباتی نظم اخلاقی حاکم داشت، مقایسه‌هایی بود که روحانیون و نیروهای مذهبی، میان حکومت پهلوی و شخصیت‌های منفور تاریخی از یک سو و گفتمان خودشان با حاکمیت ائمه معصومین، به خصوص امام حسین(ع)، از سوی دیگر می‌کردند. این تشابه سهم مؤثری در بی‌ثباتی نظم اخلاقی حاکم داشت و نیروی مؤثری در رهاکردن تکالیف و وظایفی بود که گفتمان پهلوی به آن توصیه می‌کرد «یکی محورهای مشترک منبرهای سیاسی تطبیق وقایع و رخدادهای روز با وقایع تاریخی صدر اسلام و تشبیه مقامات و رجال سیاسی وقت به شخصیت‌های منفور تاریخ اسلام بود» (سوری لکی، ۱۳۹۴: ۸۲ به نقل از سلیمی).

مکانیسم‌هایی که از سوی تولید گفتمان سیاسی مذهبی مطرح می‌شد به گونه‌ای بود که عمده «مردم متدین روی آنها حساسیت داشتند و با شنیدن آن تحریک می‌شدند» (جعفریان، ۱۳۹۶: ۴۰۸-۴۰۷). از این رو، سهم مؤثری در نامشروع شدن نظم اخلاقی حاکم و پذیرش نظم اخلاقی جدید داشت. علاوه بر آنکه تولیدکنندگان و حاملان گفتمان سیاسی، اقدامات متقابل اعم از عینی و ذهنی را نیز برای جایگزینی این نظم به کار می‌گرفتند گفتمان سیاسی مذهبی از نوع گفتمان امام خمینی سکوت یا مدارا را در مقابل اقدامات ضد مذهبی پهلوی به صلاح نمی‌دانست و راه‌حل را جایگزینی حکومت اسلامی به جای گفتمان پهلوی می‌دانست.

امام خمینی تأکید داشت که «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم... امروز چطور می‌توانیم ساکت و بی‌کار بنشینیم و ببینیم عده‌ای خائن و حرام‌خوار و عامل بیگانه به کمک اجانب و به زور سرنیزه ثروت و دسترنج صدها میلیون مسلمان را تصاحب کرده‌اند و نمی‌گذارند از حداقل نعمت‌ها استفاده کنند؟ وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه دهند و در این راه، که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند» (صحیفه امام خمینی). البته شاه سعی داشت تولیدکنندگان گفتمان سیاسی و روحانیون معترض یا منتقد را مخالف تمدن و علم معرفی کند و از این طریق نظم هژمونیک حاکم را حفظ کند، اما اقدامات شاه نتوانست کار چندانی را پیش ببرد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه انجام‌گرفته مؤید این فرض نظری است که میان ظهور اندیشه و محیط اجتماعی پیوند برقرار است و گفتمان‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه در کشاکش با سایر گفتمان‌ها و در پیوند با محیط عینی و ملموس اجتماعی و اقتصادی و در زمینه و زمانه خودشان تولید می‌شوند. بررسی تغییر شرایط تاریخی درخصوص گفتمان سیاسی مذهبی نشان می‌دهد که عمدتاً دو نوع متغیر در ایجاد فرصت و رفع محدودیت گفتمان سیاسی مذهبی نقش داشتند؛ متغیر بیرون از حوزه دین یا عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به‌خصوص نقش دولت دوم پهلوی و متغیرهای درون دین. اگرچه ریشه‌های آغازین تحول اندیشه سیاسی در ایران عمدتاً متأثر از تحولات فرهنگی پایان دوره قاجار و آغاز مشروطه است، اما پس از نوسازی‌های دولت پهلوی اول، به‌خصوص تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، پهلوی دوم سهم مهمی در شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی داشته‌است. باینکه دولت پهلوی با تمام وجود تلاش می‌کرد که سازمان‌ها و نیروهای مذهبی را سرکوب یا تضعیف نماید، اما با همه تلاش‌ها، بافت گفتمانی جامعه ایران همچنان متکثر باقی ماند و به‌رغم میل آنان منابع و فضای اجتماعی لازم برای شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی فراهم شد.

نوع دوم متغیرها در درون جریان مذهبی رخ داد، محدود ماندن چارچوب مفهومی و روش‌شناختی علمای سنتی، ورود شبهات جدید در حوزه دین، فوت آیت‌الله بروجردی و تعدد مراجع و حاکمیت اندیشه سیاسی از جمله عوامل شکل‌گیری گفتمان سیاسی جدید بودند.

اگرچه مجموعه تحولات درونی و بیرونی فوق‌مهم‌ترین موانع نهادی در شکل‌گیری گفتمان سیاسی مذهبی (تشکیل حکومت اسلامی) را از میان برداشتند؛ اما این تحولات (ایجاد فرصت و رفع محدودیت) به‌طور مستقیم نمی‌تواند گفتمان سیاسی مذهبی را تولید کند. ظهور گفتمان سیاسی نیازمند بسیج منابع، ایجاد زنجیره‌های تعامل و بحران در نظم اخلاقی است و حاملان و تولیدکنندگان گفتمان باید بتوانند منابع فرهنگی را به سمت تولید و نهادینه کردن گفتمان موردنظر سوق دهند. با تغییر این شرایط و ایجاد مکانیزم‌های واسط در تولید فرهنگ سیاسی بود که مجموعه‌ای از نیروهای اجتماعی، به‌ویژه نیروهای مذهبی، گفتمان و کردار مذهبی‌ای را بنیان گذاشته‌اند که ممیزه اصلی آن مبارزه قهرآمیز سیاسی و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی بود. افرادی همچون حضرات آیات خمینی، محمود طالقانی، حسینعلی منتظری، مرتضی مطهری، محمد حسینی‌بهشتی، اکبرهاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر با

ایجاد زبان و ادبیات جدیدی به خلق و تولید گفتمانی پرداختند که سیاسی بودن اسلام از جمله مهم‌ترین اصول و ضوابط آن بود. در نبود احزاب و رسانه‌ها در دولت پهلوی، ظرفیت فرهنگی ویژه‌ای چون هیئت‌ها و سایر تشکل‌های مذهبی در اختیار گفتمان سیاسی مذهبی بود که حاملان آن با ابداع و خلاقیت به بسیج نیروها و سازماندهی آنان و تولید و توزیع آثار مکتوب این گفتمان می‌پرداختند. حاملان این گفتمان با بهره‌گیری از هیئت‌ها و سایر تشکل‌های دینی به ایجاد زنجیره تعامل میان خود و مخاطبان پرداختند و در نهایت نظم اخلاقی حاکم را بی‌ثبات کرده و نظم اخلاقی یا فرهنگی جدید را جایگزین آن کردند.

تمام آنچه تاکنون از شرایط شکل‌گیری و مکانیزم‌های ظهور گفتمان بیان شد تبیین‌کننده جهت‌گیری و نظم درونی آثار و متون گفتمانی در گفتمان هیئت‌های سیاسی مذهبی نیست. نظم مستقر در تولید متون فرهنگی این گفتمان منطق خاص خود را دارد. این متون اگرچه تا حدودی محصول بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه است، اما جهت‌گیری آن متأثر از منطق درونی متن است. محصول تولیدشده این گفتمان اعم از اشعار، نوحه‌ها، سخنرانی و سایر منابع مکتوب متأثر از افق اجتماعی است؛ یعنی مسائلی که حاملان گفتمان سیاسی برای رفع آن مانند نابرابری اجتماعی، مبارزه با فساد و... تلاش می‌کنند؛ همه دغدغه‌هایی که در جامعه دهه چهل وجود دارد.

این دغدغه‌ها با زبان شعر و مرثیه و سخنرانی به معنای عام از طریق قلمروهای گفتمانی و حد و حدودهای گفتمانی وارد متن شدند. آثار گفتمانی هیئت‌های مذهبی سیاسی همچنین متأثر از کنش‌های نمادین یعنی راه‌حلهایی است که در درون هر متن برای برون‌رفت از وضعیت موجود تعریف می‌شود. البته همه این آثار در تعریفی که از غیر انجام می‌دهند تولید می‌شوند. آثار و متون گفتمان مذهبی حول رویه‌های طرد یا کناره‌گذاری سازمان می‌یابند.

منابع

- احمدی، اصغر (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی تولید و محتوای ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱)، *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی*، تهران: صدای معاصر.
- اینگلهارت، رونالد و ولز، کریستین (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- باقی، عماد الدین (۱۳۸۲)، *گفتمان‌های دینی معاصر*، تهران: سرایی.
- تبیان، قیام عاشورا در پیام امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر سوم.
- تیم رپلی، عبدالله (۱۳۹۵)، *راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند*، ترجمه عبدالله بیجرانلو، تهران: علمی.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب*، تهران: خانه کتاب.
- جودکی، محبوبه (بی‌تا)، «پهلوی»، *دانشنامه جهان اسلام*، <http://rch.ac.ir/article/Details/13265>. تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۷/۱.

- رضوی، کمال (۱۳۹۳)، «بر هم کنش مرجعیت، حکومت و جامعه در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۱، پیاپی ۱۱۱، بهار ۱۳۹۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نی.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۲)، «دولت اخلاقی در آرای سیاسی امام خمینی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه متین، شماره ۲۱، ص ۹۹-۱۲۸.
- سرایی، حسن و همکاران (۱۳۸۷)، «روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم: ۸۴-۱۰۵.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- سوری لکی، محمدعلی و سوری، ایرج (۱۳۹۴)، «روند نوسازی، تعارضات فرهنگی - مذهبی و فروپاشی حکومت پهلوی دوم»، فصلنامه ژرفا پژوه، سال دوم، دفتر چهارم، سال سوم، دفتر اول، زمستان ۱۳۹۴ و بهار ۱۳۹۵ شماره پیاپی ۶ و ۷: ۴۹ - ۷۰.
- عبداللهی، حمید و خستو، زهرا (۱۳۹۱)، «اجتماع علمی در دانشگاه‌های ایران، مطالعه موردی دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۴: ۲۴-۵۹.
- عبدی، عباس (۱۳۸۷)، «نهادهای مدنی مذهبی یا حوضچه‌های آرامش در انقلاب»، آئین بهمین و اسفند، شماره نوزده و بیست: ۴۳-۴۴.
- غفاری هشیچین، زاهد و همکاران (۱۳۹۱)، «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره دوم: ۶۲-۸۳.
- قدیری بشردوست، علیرضا (۱۳۹۳)، «گفتمان شناسی فعالیت‌های فرهنگی فعالان جوان ایرانی، در شبکه‌های اجتماعی مجازی - بررسی موردی فیس‌بوک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- کدیور، محسن (۱۳۷۹)، دغدغه‌های حکومت دینی، تهران: نشر نی.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبد الحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- مجد، محمدقلی (۱۳۹۱)، «اصلاحات ارضی در ایران؛ اهداف و پیامدها»، ترجمه بهرنگ رجبی، <http://tarikhirani.ir/fa/files/58/bodyView/597>. تاریخ مراجعه ۲۴/۵/۱۳۹۷.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۱)، نقادی بر قرائت رسمی از دین، بحران‌ها، چالش‌ها، راه‌حل‌ها، تهران: طرح نو.
- ملک‌زاده، الهام و بقایی، محمد (۱۳۹۵)، «درآمدی تحلیلی بر سیاست‌های فرهنگی - مذهبی پهلوی اول و دوم»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و ششم، دفتر دوم، ۷۶-۹۵.
- مهرآئین، مصطفی (۱۳۸۶)، «شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های ظهور مدرنیسم اسلامی در هند، مصر و ایران»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نبوی رضوی، مقداد (۱۳۹۳)، دربار شاهی و قتل ناصرالدین شاه در تاریخ مکتوم، تهران: پردیس دانش.
- لالکائو، ارنستو، موفه، شانتال (۱۳۹۳)، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ترجمه محمدرضایی، تهران: ثالث.
- نجفی، موسی (۱۳۷۸)، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدید)، تهران: منیر.
- بی‌نا، (۱۳۷۸)، مرکز اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۱) اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی، شورای نظارت میرحسین موسوی و دیگران، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- Robert Wuthnow (1989), "Communities of Discourse: Ideology and Social Structure in the Reformantion, *The Enlightenment, and European Socialism*, (Cambridge: Harvard uni Press.
- Robert Wuthnow (1987), *Meaning and Moral order: Explorations in Cultural Analysis*, Berkeley: uni. Of California Press.